



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۲/۱۲



جنرال سید عبدالقدوس سید

## نگاهی به حراج رتب جنرالی و مارشالی در افغانستان

### «پژواکی از بی عدالتی ها در سده اخیر»

در هر کشوری رتبه های نظامی در قوت های مسلح مطابق قانون ذاتی افسران به کادر های افسری از بریدمن تا جنرال تفویض میگردد. گوهری که انگیزه ارتقای یک نظامی به رتب بلند تر را تشکیل میدهد عبارت از تحصیل ، تخصص ، تجربه ، خلاقیت و مهارت او در ایفای وظیفه نظامی و سوق و اداره قوت ها ، قانونمداری و وفاداری به منافع ملی میباشد .

رتبه جنرالی در تمام جهان یک منزلت نظامی سیاسی بوده و تفویض ان به افسران از پارامتر های ویژه بر خور داراست که مشخصه انرا تحصیلات سیستماتیک نظامی خدمات شایسته دست اوردهای علمی نظامی و سوق و اداره امورنظامی و اوپراسیونها ، در حالیکه کاندید یعنی دگروال در کرسی جنرالی ابقا بوده باشد و جرمی را مرتکب نگردیده باشد تشکیل میدهد . اما در افغانستان طی چند دهه پسین رتبه های جنرالی و همچنان رتبه مارشالی دستخوش معاملات قدرت و جنگهای داخلی تنظیم های مجاهدین و ملیشه یی و حضور قوای خارجی گردیده و چنین عملی یعنی « حراج رتبه های جنرالی و مارشالی » یکی انگیزه های تضعیف قوت های مسلح در ایفای وظایف دفاعی بویژه در دهه هشتادم خورشیدی را تشکیل داده بود علی الرغم اهمیت مسله در حوزه نقد تاریخی تحقیقات و پژوهش ها در اینباره از پیشنه یی بر خوردار نبوده ، از این رو این سطور با اعجال و ایجاز بقلم امد.

رتبه جنرالی در چند دهه پسین :

یک - رتبه جنرالی در دوران شاه : - انگونه که ما شاهدش بودیم رتبه جنرالی عمدتاً به کسانی که دارای تحصیلات ، تخصص و کاردانی حرفه یی و دارای پست جنرالی بوده ، به حکومت شاهی و دودمان سلطنت وفادار می بودند تفویض می گردید . با این حال در نظام سلطنتی بجایی توجه به کمیت به کیفیت رتب جنرالی بذل توجه گردیده و جنرالان در اردوی شاهی از ابهت و صولت قابل توجه یی بر خوردار بودند .

دو - در جمهوری محمد داود : - بعد از کودتای جنرال محمد داود در ماه سرطان ۱۳۵۲ خ چرخه بی عدالتی در تفویض رتبه های نظامی فزونی یافت بجای تمکین به ضوابط ، تخصص و کاردانی به روابط و وابستگی کودتایی توجه بیشتر مبذول گردید ، در نخستین روزها بعد از پیروزی کودتا به همه نظامی هایکه در کودتا سهم داشتند دو رتبه نظامی بخشش اعطا گردید با این حال دگروال سردار حیدر که بلحاظ قومیت از دودمان سلطنت یعنی محمد زایی بود و او با سابقه خدمت بحیث مدیر مکلفیت در بست های قوماندانی در قطعات محارب بیگانه بود نیز با اخذ دو ترفیع به تورنجنرالی نایل گردیده در کرسی وزارت دفاع ابقا گردیده بود.

بدین سان با ر اول حراج رتبه های نظامی بشمول اعطای رتبه افسری به تمام خورد ضابطان اردو و پولیس که بدون تداوم آموزش و تحصیل نیل بان نا ممکن بود متداول گشت با چنین راهکار های اردو و پولیس افغانستان ضربه محکمی بی عدالتی را در حالی تجربه کرد که از یکسو چنین عملی نارضایتی منسوبان اردو و پولیس را در قبال آورده و از سوی دیگر به گرایش های سیاسی نظامیان به افکار چپی و راستی در فرایند بعدی سرمشق مخربی را بر جا گذاشت.

سه - در جمهوری دموکراتیک

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

در دوره قدرت جمهوری دموکراتیک ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ خ در تفویض رتبه جنرالی هنجارهای غیر متعارفی حکمفرما گردیده بود ، با آغاز و تداوم جنگ های تجاوز کارانه تحت نام جهاد اسلامی ؟ از دو کشور همسایه پاکستان و ایران زیر تیغ امریکا و غرب که پای ارتش شوروی را به کمک دولت دموکراتیک به کشور آورد ه بود ، اوضاع کشور بگونه گسترده دستخوش جنگها و حملات ترورستی گردیده بود در چنین شرایطی به کمیت نظامیان نسبت به کیفیت شان توجه میزول گردیده و رعایت هنجارهای اصولی در تفویض رتبه ها تا حدی به حاشیه راند شده بود . بگونه مثال به فرماندهان قطعات دفاع خودی ، قومی و منطقوی برای برجسته نشان دادن آنها و حقیر شمردن حریفان جهادی شان بدون استحقاق قانونی رتب فوق العاده نظامی داده می شد یکی از مثال ها عبدالرشید دوستم است که او در نخست سردهسته یک گروه کوچک محافظتی تاسیسات نفتی در جوزجان بود و نیز بابه جان و سید محمد گلاب زوی نیز در همین ردیف شامل بودند . همچنان به فرماندهان جهادی که به دولت تسلیم میگردیدند رتبه های افسری اعزازی داده می شد . و یا مثلا به افسرانیکه در جبهات دفاع در برابر حملات گروه های بنام مجاهدین که از پاکستان و ایران می آمدند از خود شجاعت تبارز میدادند به آنها بنابر درخواست قطعه و منظوری وزیر دفاع رتبه های بخششی تفویض میگردید .

این ها چالش های پارادوکسیالی بودند که از یکسو در تنزیل کیفیت قوت های مسلح یکمقدار نقش بر جا گذاشته و از جانب دیگر چنین افسران بلحاظ عملی و میدانی در جبهات جنگ های دفاعی علیه جهاد گرایی ، برانزنده گی ویژه را از خود تبارز میدادند . بقول معروف بجای کله و مغز چنین کته گوری منسوبان پای شان بیشتر از فعالیت بهره مند گردیده بود که در کارزار های نبرد از درخشندگی بر خوردار بودند .

اما در تفویض رتبه های جنرالی که یک رتبه سیاسی نظامی تلقی میگردید سختگیری های مقتضی معمول بود ، علاوه از رعایت استاندارد های الزامی مانند تحصیل ، تخصص ، تجربه و درخشش در اجرای وظیفه و سوق اداره و اوپراسیونها ، سجل غیر جرمی ، و داشتن بست جنرالی و وفاداری به منافع ملی که در بسا موارد عضویت سیاسی به حزب دموکراتیک را تبیین میکرد تاکید صورت میگرفت . حتی در جبهات جنگ به دگروالان پیشتاز که بست جنرالی نمیداشتند از تفویض ترفیع جنرالی استنکاف ورزیده می شد . یعنی به هیچ دگروال به استثنای استادان موسسات آموزشی و دوکتوران طب و پیلوت ها بدون مشخصات تذکار یافته و نداشتن بست ، ترفیع جنرالی اجرا نمیگردید . این نگارنده بعنوان یکی از شاهدان نبرد جلال اباد « ۱۷ ماه حوت ۶۷ - سرطان ۱۳۶۸ که کتاب « حماسه نبرد جلال اباد » را نیز نگاشته است بیاد دارد ، به ۱۴ نفر از دگروالان و جنرالان که در دفاع از جلال اباد در برابر تجاوز پاکستان در خشیده بودند رتبه های فوق العاده از سوی فرماندهی جبهه پیشنهاد گردیده بود همه شان دارای بست های جنرالی و تورنجنرالی بودند یعنی به هیچ دگروالی بدون بست جنرالی ترفیع جنرالی اجرا نگردیده بود .

می توان گفت از یکسو تامل و سخت گیری های الزامی در تفویض رتبه جنرالی که هیچ دگروالی بدون ویژه گی های تذکار یافته به رتبه جنرالی نایل نمیگردید و از سوی دیگر سطح بلند آموزش و تجارب میدانی در سوق اداره قوتها ، و اجرای امور ، جنرالان انبره را در سطح منطقه از برانزنده گی مسلکی بر خور دار نموده بود رتبه جنرالی در حکومت اول مجاهدین:

هنگامیکه در ماه ثور سال ۱۳۷۱ خ عملیه صلح ملل متحد یعنی دنیای امید و ارزوی های مردم در یک کودتایی ایتلافی خزنده به شکست مواجه گردید جنگ های گروه های مجاهدین برای بدست آوردن قدرت بیشتر برای گروه خود در کابل آغاز گردید ، و با گسترش سریع به ولایات بیک نماد و نشان وحشت ، تباهی ، تخریب و بعنوان سر فصل یک گسست تمدنی کشور را به شش حوزه جنگی با اردوهای شخصی و حکومت های ملوک طوایی تیپ قرون وسطایی پارچه پارچه تبدیل کرد .

بطوریکه در شمال فرمانده ملیشه یی رشید دوستم ، در مرکز و شمال شرق برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود ، در جنوب گلب الدین حکمتیار و حرکت انقلاب اسلامی محمدی ، در غرب اسماعیل که خود را امیر حوزه جنوب غرب عنوان داده بود ، در غرب کابل و حوزه مرکزی کشور حزب وحدت و در شرق شورای مشرفی حاجی قدیر « هر یک از گروه ها با لشکر های شخصی برای خود جغرافیای حاکمیت برگزیده و به افراد مورد نظر جهادی و ملیشه یی خود رتبه های نظامی و جنرالی داده بودند .

بر مصداق مشت نمونه خروار بر چند مثال اکتفا می نمایم:

الف- درحوزه شمال تحت سلطه عبدالرشید دوستم بنابر اظهار پیژندوال ان جناب جنرال حبیب الله تا سال ۱۳۷۴ خ به پنج هزار نفر رتبه های جنرالی که از جمله سه هزار نفر ان دگر جنرال متباقی برید جنرال و تورن جنرال و بلحاظ کیفیت ۹۹ در صد ان بکلی بیسواد بودند به امر رشید دوستم تفویض گردیده بود . یکی از دوستان نظامی صاحب این قلم حکایت کرد در سال ۱۳۷۴ خ بنابر ضرورتی به شبر غان رفته بودم ، در یکی از روزها در سفره ی مهمان شده بودیم ، شخصی که افتابیه لکن دست شویی بر دست داشت چنینکه بالای دست هایم اب می ریخت بمن گفت؟ صاحب مرا نشناختید گفتم نه برادر نشناختم و گفت یک وقتی در دهادی بلخ عسکر

شما بودم حال دگر جنرال هستم . بقول همین دوست حتی محافظ دروازه ریاست ارتباط خارجه جنبش ملی مستقر در مزار شریف جنرال بود.

ب- جمعیت اسلامی مربوط برهان الدین ربانی ریس حکومت و احمدشاه مسعود وزیر دفاع که بعد از ماه سرطان ۱۳۷۱ خ حکومت کابل را برای چهار ماه و سپس برای دو سال در تملیک خود درآورده بودند به گستردگی برای هزاران تن از نزدیکان و افراد جهادی رتبه های جنرالی را که شماری از آنها بیسواد و هرگز کسی از آنها حتی مستحق رتبه بریدنی نبود داده بودند ، دراین میان به سرگروها و فرماندهان جهادی ولسوالی ها و اعضای رهبری جمعیت اسلامی و شورای نظار رتبه های دگر جنرالی تفویض گردیده بود از جمله میتوان از دگر جنرالان وستر جنرالان یونس قانونی ، بسم الله محمدی ، تاج محمد جهید ، داود داود ، نجم الدین واثق ، مولانا سید خیلی ، قوماندان پناه ، فرمانده گدا و امان الله گذر، علاوالدین هرات و غیره نام برد . همچنان به افراد متحد خود از حرکت اسلامی مانند سید حسین انوری ، صادق مدبر و غیره رتبه های دگر جنرالی منظور نموده بود ، حفیظ منصور که در انبره ریس تلویزیون بود گفته است « هرشب پسر برهان الدین ربانی با لست طولانی تفویض رتبه های جنرالی به افراد نردم می آمد و ما انرا اعلان میکردیم ». همچنان مستند به گذارش نیویارک

تایم در سال ۱۳۹۵ در دوران جنگهای داخلی زمان قدرت ربانی یک شبه صد ها تن رتبه جنرال داده می شد  
ج - حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار که یکی از محور های اصلی جنگهای داخلی قرار گاه اش تا ماه حوت ۱۳۷۳ خ تقرب طالبان بکابل در چهار اسباب منزل و ماوا داشت بعد از یک دوره جنگ ها با جمعیت اسلامی و شورای نظار اوانیکه کرسی صدارت را پذیرفت با توجه به رقابت های میان گروهی به دو هزار نفر از مجاهدین مربوطه رتبه های فوق العاده افسری بشمول جنرالی که هیچکس از آنها مستحق اش نبود تفویض کرده بود بر بنیاد گذارش نیویارک تایم در سال ۱۳۹۵ در دوران جنگهای داخلی زمان قدرت ربانی یک شبه صد ها تن رتبه جنرال داده می شد

اما رتبه مارشالی:

رتبه مارشالی در قانون اساسی و قانون ذاتی افسران هر کشوری بعنوان یک افتخار ملی و منزلت رفیع نظامی ،سایسی با پارامتر های معین اش جایگاه تعریف شده وجود دارد ، اصولا به کسانی تفویض می شود که دارای سطح بلند تحصیلات نظامی و مدارج علمی بوده با برخورداری از دانش سوق ادراه استراتژییک نظامی ، شرکت کننده ء یک جنگ موفق میهنی بوده ، واثار نظامی و مسلکی اش معرف شخصیت اکادیمیک علمی او بوده مهمترین فناوریها واندیشه های ان مورد استفاده آموزشی منسوبان نظامی قرار داشته باشد و در برخی کشور ها پارلمانها در زمینه تصمیم اتخاذ می نمایند .

اما در کشور ما رتبه مارشالی تا هنوز جایگاه تعریف شده قانونی نداشته طی چند دهه دستخوش روابط قومی و معاملات قدرت گردیده و بشدت مورد تحقیر و توهین قرار گرفته است و در تفویض ان به افراد پارامتر های معین و سوابق جرمی در نظر گرفته نشده و با قربان گردیدن پر نسبیپ ها جای انرا مسخ و جعل حقایق احراز نموده است .  
-تفویض رتبه مارشالی به شاولیخان بردار نادرشاه کاکای محمد ظاهر شاه



صورت آقای شاولی خان

وی در دوره امان الله خان بخدمت نظامی اشتغال داشت و سپس گویا او کابل را از تسلط امیرحبیب الله خود را خادم دین رسول الله عنوان داده بود فتح نموده بود. و این ورود او بکابل در حالی بود که قوای امیر حبیب الله کلکانی در کابل چندان دست به مقاومت نزده کابل را ترک داده بسوی کوهدامن عقب نشسته بود. با این حال تفویض رتبه مارشالی بوی در اکتوبر سال ۱۹۲۹ م در حالیکه مراتب رتب نظامی را سپری نکرده بود ، بمنظور تقدیس و برجسته نمودن گویا فتح کابل توسط او و خوار شمردن حبیب الله کلکانی بعنوان یک شورشگر که پادشاهی شاه امان الله خان شاه ترقیخواه را سقوط داده بود تبارز یافته بود.

واگذاری رتبه مارشالی به محمد قسیم فهیم: میدانیم در کشور های پسا جنگ های داخلی ، جنگسالاران و جریانهای مافیایی و حلقات فاسد به نوعی به قدرت و امتیازات میرسند ، که مثالهای آن در کشور ما بعد از سال ۱۳۸۰ خ حضور امریکایی ها بوضوح بمشاهده رسیده است . که توزیع رتبه های جنرالی و مارشالی بعنوان یکی از نمونه های قدرت و امتیاز ها بوده است. محمد قسیم فهیم ، شخصی دارای تعلیمات ابتدایی ، بر خاسته از عقب سنگر های جهادگرایی ؟ بشدت متهم به جنایات جنگی منجمله درجنگهای کابل و جنگهای داخلی که کمترین بخش آن در اسناد عفو بین الملل « در پروژه عدالت انتقالی سال ۲۰۰۵ م » و کتاب های «جنگهای کابل» و « کتاب جنگهای داخلی » از این قلم بگونه مستند صراحت یافته است ، به انگیزه ها و خدمات زیرین ۱۵ ماه ثور سال ۱۳۸۱ خ رتبه مارشالی برایش داده شده بود:



صورت آقای محمد قسیم فهیم

نخست - او بعنوان کسی که از نخستین گروه تهاجمی امریکا تحت رهبری جنرال CIA گری شرون در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱م - « چهارم میزان ۱۳۸۰ خ » در پنجشیر فرود آمد و آقای فهیم بشمول داکتر عبدالله و بسم الله از آنها بگرمی استقبال و پذیرایی کرده و سپس بعنوان پیاده نظام امریکایی ها با اخذ رشوه اشغال در سقوط امارت طالبان توسط امریکا بشدت مساعدت ابراز کرد که این نگارنده داستانهای آنرا در « کتاب جنگهای داخلی » به تفصیل آورده است.

دوم - قسیم فهیم بحیث یکی از شرکت کننده گان کنفرانس بن المان دسامبر سال ۲۰۰۱م که با پذیرش کاندید امریکایی ها حامد کرزی بحیث ریس ادرهء موقت افغانستان و پذیرش پست معاونیت وی و کرسی وزارت دفاع ، و بدنبال آن امضا نمودن سند حضور و اقامت امریکایی ها در افغانستان بشمول یونس قانونی و عبدالله عبدالله ، بنابراین امریکایی ها و حامد کرزی بخاطر باج دهی و تمکین به خدمات برجسته و تاریخی ؟ او که یک پازل قدرت بود بر علاوه امتیازات دیگر برایش رتبه مارشالی را در سال منظور نمودند با اینحال گذشته جهادی اش را که شماری از افسانه باوران آنرا افتخار تصور مینمایند این معامله قدرت بلعید و متعاقبا او نزد عدالت پسندان بعنوان یک بازیچهء مسخ شده بدست استکبار و اشغال تلقی گردید . بعد از مرگش او را در یک مقبره ی بشدت پر مصرف چهار میلیون دالری از بودجه دولت که توسط حامد کرزی منظور گردیده بود بر بلندای یک تپه در کابل دفن کردند که بعنوان اسطورهء جنگ های داخلی عظمت اش را در دیده بانی قربانیان بازتاب دهد مسئله ای که در برگه های تاریخ ظنین شور انگیز تحقیر شده بی حاصل نموده است.

-اهدای رتبه مارشالی به عبدالرشید دوستم :

دوستم شخصی برخاسته از بستر قوت‌های ملیشه‌یی با ابتدایی‌ترین سواد که در دوران جمهوری دموکراتیک علیه گروه‌های مجاهدین به گسترده‌گی شمشیر زد و خون ریخت در پاداش به رتبه‌ء جنرالی که « که یک اشتباه کلان » بود نایل گشت، اما سپس در سال ۱۳۷۰ خ با ایتلاف با گروه‌های جهادی شمال بیک کودتای ایتلافی خزنه دست زد و در یک فعالیت هماهنگ قوت‌هایش را بتاريخ ۲۴ حمل ۱۳۷۱ خ به قصد نا کامی عملیه صلح ملل متحد که «حکومت بی طرف را جاگزین میکرد» و از بین بردن دولت جمهوری داکتر نجیب الله در کابل پیاده کرد و بزودی با محور دیگر مجاهدین حزب اسلامی حکمتیار درگیر گردیده کابل را بمیدان جنگ عظمت طلبی گروه‌های باهم رقیب مجاهدین تبدیل کرد این جنگ‌ها با کشتار گسترده حدود یکصد هزار انسان و تخریب اماکن و زیر ساخت‌ها مدت ده سال تداوم حاصل کرد.



صورت آقای عبدالرشید دوستم

منبعث از ان عبدالرشید دوستم مستند به گزارش سازمان عفو بین الملل « پروژه عدالت انتقالی » بشدت متهم به جنایات جنگی بوده قتل پنجهزار اسیر طالبان در دشت لیلی شیرغان در سال ۱۳۸۰ خ که شهود و اسناد ان طی فلم مستندی در پارلمان اروپا به نمایش گذاشته شده بود و همچنان قتل شهروندان کابل، مزار شریف، کندز، بغلان سمنگان، در جریان جنگ‌ها، هتک حرمت و شقاوت به رقیبان سیاسی اش مانند اقایان،، انجنیر ایشچی، و اکبر بای از معروف ترین تخطی‌های وی بر شمرده شده است دوستم در سال ۱۳۸۰ خ که مانند خسی درگیر باد بسوی حوادث رانده می شد از اختفا در ترکیه به صفحال شمال بر گشته در رکاب قشون امریکا علیه طالبان اسپ تازاند وبا متحد گردین با امریکا، با دیگر ستاره اقبالش تابیدن گرفت و اشرف غنی کاندید ریاست جمهوری برای پیروزی در انتخابات او را معاون خود برگزید و در دور بعدی انتخابات او کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله را در ازای تفویض رتبه مارشالی به خود مورد حمایت قرارداد، هر چند نتایج انتخابات مانند دوره‌های قبل مورد پذیرش طرف‌ها قرار نگرفت اما امریکایی‌ها نقشه حکومت توافقی میان هردو کاندید « اشرف غنی و عبدالله » را عملی نمودند که یکی از دوره‌های فاجعه بار برای افغانستان محسوب میگردد. بدین سان او به رتبه اعزازی مورد نظرش که هرگز و هرگز مستحق ان نبود نایل گشت. علی الوصف تفویض رتبه مارشالی و چهره سازی از او بیک روند عادی سازی جنایت مبدل گردید.

حراج رتبه‌های جنرالی در دوره جمهوری اسلامی «حکومت دوم مجاهدین:» بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان توسط امریکا در سال ۱۳۸۰ خ و مستقر گردیدن حکومت موقت مورد نظرشان در افغانستان خواسته بودند دموکراسی امریکایی را زیر پاشنه آهنین جنگسالاران جهادی و ملیشه‌یی در افغانستان پیاده نمایند، از اینرو این دموکراسی وارد شده بشکل دیگر پلوتوکراسی « حکومت اغنیا » انتوکراسی « نژاد سالاری » موبوکراسی « رجاله سالاری و اوباش سالاری » به صحنه آمد. هر دو ریس جمهور تحت اداره امریکا حامدکرزی و اشرف غنی برای تداوم حاکمیت شان به جنگسالاران و جنایت کاران جنگی اتکا نمودند و این دو رژیم به بازیچه دست جنگسالاران تبدیل گردیده بودند.

رتبه‌های نظامی بویژه جنرالی، دستخوش امتیاز طلبی‌ها و معاملات قدرت گردیده حامد کرزی و سپس اشرف غنی برای بقا در قدرت به جنگسالاران متهم به جنایات جنگی اتکا نموده برای تطمیع و جلب حمایت فرماندهان جهادی جنگسالار حتی به بیسواد‌های پیشنه‌های آنها رتب جنرالی منظور نموده بودند. دو روزنامه نگار و نویسنده جناب نستوه نادری و رزاق مامون گزارش داده اند که از جمله این همه جنرال به تعداد ششصد تن ان از

پنجشیر بوده است . همچنان عبدالمقیم عبدالرحیم‌زی رییس ارتباط خارجی وزارت داخله که قبلا کارمند تلویزیون صبا بود در زمان وزارت آقای داوودزی به پاداش این‌که با آقای وزیر مصاحبه‌ی خوبی انجام داده بود، در مدت کوتاهی جنرال شد. همچنان مسعود عزیز ، قبلا سکرتر گل‌آغا شیرزی به‌صورت مستقیم به رتبه‌ی مل‌پاسوال/ بریدجنرال و بعد از مدت کوتاهی به رتبه‌ی تورن‌جنرالی رسید.

همین‌گونه برادر محمد یونس قانونی و برادر الماس زاهد نیز از کسانی هستند که به‌طور فوق‌العاده افسر و جنرال شده‌اند.

سفیر اتحادیه اروپا برای افغانستان در انبره از فساد گسترده شکایت نموده گفته بود که بدست آوردن رتبه جنرالی نه به مهارت های مسلکی و رزمی و توانایی های افراد بلکه به میزان پولیکه که در جیب دارند وابسته است.

مایک میلن جنرال ارشد امریکایی دریک همایش در حالیکه بکس جیبی اش را بهمه نشان میداد با لحن تحقیر آمیزی گفته بود که رتبه جنرالی در افغانستان خرید و فروش می شود تعداد جنرالهای افغانستان از تمام کشور های انگلس فرانسه المان ایتالیا بیشتر است .

افغانستان تنها در سال ۱۳۹۵ خ یک هزار نفر جنرال در حالی داشت که امریکا با ان همه قوتهای مسلح پهناورش نه صد نفر جنرال داشت .

نیویارک تایم در سی قوس ۱۳۹۵ نوشت افغانستان یک هزار نفر جنرال دارد . و اعطای رتبه جنرالی در بعضی موارد میراثی است هر زمانیکه یک جنگ سالار جهادی وفات کرد یا کشته شد به پسرش رتبه جنرالی داده می شود .

بنابر اظهار جنرال سابقه دارجناب عتیق الله امرخیل به سایت « راه مدنیت » من کسانی را در وزارت داخله می شناسم که سابقه اشپزی داشته ولی حالا دگرجنرال است ، من امری حوزه پولیس را می شناسم که رتبه اش جنرال است ولی سواد ندارد سکرترش برایش می نویسد .

با اینحال بسیاری از صاحب نظران یکی از انگیزه های شکست و فرپاشی قوتهای مسلح دولت جمهوری اسلامی زیر دست امریکا و ناتو را در ماه اسد سال ۱۴۰۰ خ پیامدی از چنین اقدامات و اشتباهات رتبه دهی و امتیاز دهی های عجولانه به افراد سخیف و بیمعرفت میدانند ، که دراکثر موارد رتب نظامی بویژه رتبه های جنرالی و مارشالی دستخوش تعاملات و بازیهای قدرت و خرید و فروش گردیده بودند. که در نتیجه به تضعیف کیفیت رهبری و سوق اداره قوتها ، و عدم اعتماد منسوبان نظامی که شاهد صحنه های بودند که فرماندهان شان از بدبختی های آنها سود برده و بگونه کذابی رتب نظامی را بدست آورده بودند مساعدت رسانده بود

حال که مدت ها از ان بی عدالتی ها سپری شده است ، و در حالیکه شماری تا هنوز القاب همان جنرالی و مارشالی جهادی و ملیشه یی را به دنبال اسم خود یدک میکشند اما در عین حال ارزیابی و عبرت اندوزی از ان ساده تر به نظر میرسد ، یعنی نباید شبح مخوف این همه بی عدالتی ها دراینده قوتهای مسلح منظم کشورسایه افگند .

جنرال سیدعبدالقدوس سید